

## مقاله علمی

# تحلیل بازتاب رفتارهای آئینی اهل حق در میراث مادی بر اساس کاوش‌های باستان‌شناسی، مطالعات اسنادی و باستان

## مردم‌شناسی

علی سجادی<sup>۱</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰، تاریخ تأیید: ۱۴۰۰/۰۹/۰۸)

### چکیده

یکی از فرقه‌های اسلامی منطقه غرب کشور به ویژه در استان لرستان فرقه «اهل حق» است که از سابقه تاریخی زیادی برخوردار بوده و دارای اماکن مقدس و آرامگاه‌هایی متعلق به پیران این فرقه در این منطقه است. این پژوهش بر اساس کاوش باستان‌شناسی در محوطه یکی از آرامگاه‌های پیران اهل حق به نام پیر میکاییل و بررسی‌های میدانی مردم‌شناسی منطقه و مطالعات مردم‌نگاری با هدف واکاوی شعائر آئینی این مسلک، که به صورت نماد و نشانه در میراث مادی تبلور یافته یا به صورت رفتار آئینی از گذشته تاکنون استمرار پیدا کرده است، می‌کوشد از منظر باستان مردم‌شناسی با نگرشی توصیفی تحلیلی، شواهدی از ارتباط این بنا و تبارشناسی صاحب آن و یافته‌های تحقیق با فرقه اهل حق را ارائه کند. پرسش تحقیق این است که چه شواهدی از ارتباط این بنا و صاحب آن با فرقه اهل حق وجود دارد؟ نمادهای به کار رفته بر روی سنگ گورها بیانگر کدام یک از اعتقادات این آئین است؟ در این رابطه شواهد کشف‌شده و یافته‌های بررسی‌های میدانی مردم‌شناسی در منطقه مورد مطالعه و سایر مراکز حضور اهل حق در شهرستان‌های کوهدشت و دلفان منجر به کشف تعداد دیگری سنگ قبر شد که رهیافتی برای پی بردن به پیوند باورها و رفتارهای آئینی این فرقه با آثار مادی گردید که به صورت نماد یا نشانه بازتاب یافته است. نتایج مطالعات نشان داد که باورها و رفتارهای آئینی فرقه اهل حق در آثار مادی بازتاب یافته و در بعضی موارد به صورت نماد ظاهر شده است. سازه معماری منسوب به پیر میکاییل نیز که مورد کاوش باستان‌شناسی قرار گرفته، بنایی مذهبی و متعلق به اواخر دوره میانه اسلامی بوده است.

**کلیدواژه‌ها:** آرامگاه، اهل حق، پیر میکاییل، لرستان، یارسان.

۱ استادیار پژوهشکده باستان‌شناسی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، sajadi.ali86@gmail.com

## مقدمه

با اینکه تصوف دارای فرقه‌های بسیار زیادی است، اما آنچه در غرب ایران شایع است، فرقه اهل حق، نقش‌بندیه، قادریه و بکتاشیه<sup>۱</sup> است که غالباً به مذهب اهل سنت گرایش دارند. به عقیده برخی از محققان فرقه اهل حق به دلیل انتساب‌شان به غلات تشیع<sup>۲</sup>، به نوعی بدعت شمرده شده و آن را از شاخه‌های اثنعابی از مذهب شیعه دانسته‌اند (امام‌جمعه‌زاده و ویسی، ۱۳۹۴؛ مینورسکی، ۱۳۷۸: ۳۸؛ جیحون‌آبادی مکری، ۱۳۴۵: ۵). از آنجایی که اصول این آیین بر مبنای رازداری بنا نهاده شده (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۸) برخی آن را از فرق پررمز و راز ناحیه جبال محسوب کرده‌اند که بسیاری از مفاهیم ایران باستان را حفظ کرده است (دهقان، ۱۳۸۲: ۴۷-۵۳). در این میان، فرقه اهل حق خود را شیعه می‌دانند (الهی، ۱۳۴۳: ۱۰). بر اساس نوشته کتاب برهان الحق، شاه خوشین «مبارک شاه»، نخستین رهبر و پیشوای اهل حق از لرستان طلوع کرده است و قبر مادرش معروف به ماما جلاله در ۱۰ کیلومتری غرب خرم‌آباد در دره بوآس (بابا عباس) قرار دارد (الهی، ۱۳۷۳: ۸). همچنین بنا به اعتقادانشان سومین ظهور از دوره‌های پنج‌گانه ظهورات، متعلق به شاه خوشین لرستانی است (صفی‌زاده، ۱۳۶۱: ۵۶). علاوه بر آن، تعداد فراوانی از بناهای قدسی و یادمانی این فرقه در لرستان و استان همجوار آن کرمانشاه وجود دارد. بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، امروزه نیز در همان مناطق قدیمی در شهرستان‌های کوه‌دشت و دلفان در بین طوایف لک منطقه، افراد منتسب به این فرقه همچنان حضور دارند و آداب و مناسک خویش را با همان شیوه و آداب و رسوم گذشته خاص خود به جا می‌آورند.<sup>۳</sup>

یکی از نکات مهم و قابل توجه این مسلک این است که از جمله فرق پررمز و راز ناحیه جبال محسوب می‌شود (دهقان، ۱۳۸۲: ۴۷-۵۳) و اصول این آیین بر مبنای رازداری بنا نهاده شده است. به طوری که آنها در طول تاریخ حیات خود، همواره تلاش کرده‌اند اسرار و آداب و

۱ مقبره‌ای موسوم به حاجی بکتاش در قلایی الشتر لرستان واقع است.

۲ شیخ مفید، در معنای لغوی غلات آورده است: «غلو، در لغت گذشتن از حد و بیرون رفتن از میانه‌روی است» (۱۳۷۱: ۱۳۱). اصطلاح غلو یا غلات در معنای اعتقادی، به کسانی اطلاق شده که در حق ائمه خود به حدی غلو کردند و به آنها نسبت خدایی می‌دادند (شهرستانی، ۱۳۶۳: ۲۳۱).

۳ امروزه برگزاری مراسم رسمی در مراکز معدودی و بیشتر در بین افراد بالاتر از ۵۰ تا ۶۰ سال انجام می‌شود. اما رسم نذورات همچنان با همان شیوه قدیمی استمرار دارد و اکثر معتقدان به این فرقه در شهر نورآباد هر کدام چاله‌ای در داخل حیاط خانه خویش برای دفن استخوان حیوانات قربانی شده دارند.

آموزه‌های آئین خود را مخفی نگه دارند (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۸) و این موضوع ضرورت بررسی و واکاوی شعائر آئینی این مسلک، که به صورت نماد و نشانه در میراث مادی تبلور یافته است، را بیشتر نشان می‌دهد.

بدین روی انگیزه‌های انجام این تحقیق و هدف از نگارش این مقاله کوششی برای پی بردن به رموز و ابهاماتی است که به صورت نقوش هندسی و گیاهی و در قالب نماد یا نشانه بر روی سنگ قبرهای مربوط به پیروان این فرقه تجلی پیدا کرده یا به صورت رفتار آئینی از گذشته دور تاکنون استمرار داشته است.

در نوشته حاضر، با رویکرد باستان مردم‌شناسانه، تلاش شده است با راهبردی تاریخی، تحلیلی علاوه بر تبارشناسی مذهبی صاحب مقبره (موسوم به پیر میکائیل)، که مورد احترام فرقه اهل حق منطقه است، شعائر آئینی مسلک اهل حق نیز مورد واکاوی قرار گیرد. شعائری که از دوران قدیم تاکنون به آراء و عقاید گذشته خویش مانند تناسخ و برگزاری مراسم در جمخانه و ادای نذورات پایبند هستند. همچنین هدف این است که شواهدی از بازتاب رفتارهای آئینی و باورهای این فرقه، که به صورت نماد و نشانه در میراث مادی تجلی یافته و در مواردی نیز به صورت رفتار آئینی همچنان انجام می‌شود، تبیین گردد و برای سؤالات ذیل پاسخ درخوری پیدا شود.

۱- پیر میکائیل از کدام تبار مذهبی بوده و از چه جایگاه فرقه‌ای برخوردار بوده است؟

۲- کدام باورها و اعتقادات این فرقه در میراث مادی به صورت نماد و نشانه جلوه کرده است؟

۳- چه نمادهایی از باورها و اعتقادات مسلک اهل حق در میراث مادی بازتاب یافته است؟

### پیشینه پژوهش

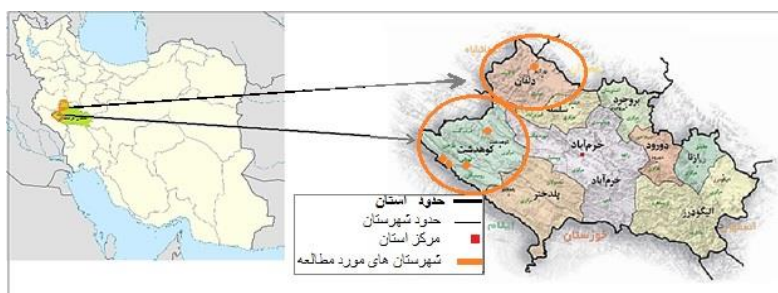
تاکنون پژوهش‌های گسترده‌ای درباره نهله فکری اهل حق انجام شده و کتاب‌ها و مقالات زیادی در این زمینه منتشر گردیده است. اما درباره نماد و نشانه‌شناسی این فرقه و بازتاب آن بر سنگ مزارها، تحقیقات اندکی در قالب گزارش پژوهشی و مقالات انجام شده است. مردم‌شناسی منطقه بلوران کوه‌دشت موضوع پژوهشی است که میراث فرهنگی لرستان انجام داده است (فرزین، ۱۳۸۴). مطالعه مردم‌شناسانه گروهی از شیعیان غالی استان کرمانشاه هم موضوع مقاله‌ای است که به بررسی شکل‌گیری تعالیم، اعتقادات، آداب، رسوم و مقدسات این فرقه پرداخته است (امام‌جمعه‌زاده و ویسی، ۱۳۹۴). در زمینه معماری، مقاله «معماری هورامان بر اساس متون یارسان»

(دریایی، ۱۳۸۸)، مقاله «فضاهای قدسی استان کرمانشاه» (فکوهی، ۱۳۸۶) و مقاله با عنوان «فرایند و چگونگی شکل‌گیری معماری آیینی یارسان» با تأکید بر چگونگی فرایند شکل‌گیری بناهای آیینی مسلک یارسان (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۴) را می‌توان نام برد. در مقاله «نمادشناسی فرقهٔ اهل حق با تأکید بر سروده‌های نامهٔ سرانجام» با بررسی اسنادی، ضمن استخراج مفاهیم و عناصر نمادین در سروده‌های یارسان، این نمادها تحلیل شده است (اوحدی حائری و جودکی، ۱۳۹۴). در مقاله «نمادشناسی نقش‌مایه‌های سنگ مزارهای لرستان» هم مضمون‌های مذهبی، آیینی و اساطیری مردم منطقه و بازتاب آنها بر روی سنگ قبور بررسی شده است. در مقاله‌ای با عنوان «بازخوانی اساطیری گورنگاره‌های روستای سوران اسلام‌آباد غرب» نیز تبیین و واکاوی و تفسیر مؤلفه‌های نمادین نقوش و بازخوانی نشان‌های اساطیری در گورنگاری‌های روستای سوران انجام شده است (قاسم‌زاده و فرزی، ۱۳۹۸). با توجه به اینکه تاکنون تأثیر ارکان و مبانی مذهبی فرقه اهل حق در آثار مادی، از این دیدگاه مورد مطالعه قرار نگرفته است، واکاوی رفتارهای آیینی این فرقه می‌تواند بخشی از تأثیرات و نمود آنها را در آثار مادی، رمزگشایی و لایه‌های پنهان افکار و عقاید مردم منطقه را کشف و مفهوم و معنای آنها را تفسیر کند.

## روش پژوهش

این پژوهش بر اساس یافته‌های حاصل از کاوش باستان‌شناسی و بررسی‌های مردم‌شناسی و مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده و از روش توصیفی و تحلیلی برای تدوین آن استفاده شده است. بر اساس یافته‌های حاصل از کاوش باستان‌شناسی بقعه و محوطه اطراف آن و بررسی گورستان‌های منسوب به فرقه اهل حق، تعدادی از سنگ‌گورهای شهرستان‌های کوه‌دشت و نورآباد دلفان انتخاب گردید و رهیافتی برای شناخت برخی نمادها و نشانه‌های به کار رفته و نیز تبارشناسی صاحب مقبره شد. در این پژوهش مقبره پیر میکائیل و یافته‌های کاوش و نیز سنگ‌گورهای سه گورستان دیگر از شهرستان‌های کوه‌دشت به نام‌های قبرستان آزاد خان در منطقه دیالی و قبرستان پیر میکائیل از منطقه سیمره و قبرستان «گلم بحری» از شهرستان نورآباد، که از مراکز مهم این فرقه در استان لرستان به شمار می‌روند، انتخاب و سعی گردید مقایسه تطبیقی مختصری هم با سایر سنگ‌قبرهای مشابه در استان کرمانشاه انجام شود.

محدوده مورد مطالعه را محوطه باستانی پیر میکائیل و قبرستان پیرامون آن و سه گورستان دیگر با نام‌های «قبرستان محمد زمان بیگ فیلی» و «قبرستان آزاد خان» از شهرستان کوهدشت و «قبرستان گولوم بحری» از شهرستان نورآباد در استان لرستان تشکیل می‌دهد (شکل ۱).



شکل (۱): موقعیت پیر میکائیل در تقسیمات سیاسی لرستان

### تعریف مفاهیم و جامعه مورد مطالعه

در حقیقت جامعه مذهبی یاران (اهل حق) به کردهای ایران، عراق و ترک‌های شمال غربی ایران وابسته است (Minorsky, 1920: 46) و پیروان آن در تعدادی از کشورهای دیگر مانند عراق، هند و ترکیه به صورت پراکنده زندگی می‌کنند (Farrokhnia & Haghghi, 2010: 87). این فرقه در استان لرستان در شهرستان‌های دلفان و کوهدشت در بین طوایف لک نورآلی، چواری، میربگ، طرهان و بخشی از طایفه اولاد قباد حضور دارد.

یارسان: به پیروان فرقه اهل حق، یارسان گفته شده است (صفی‌زاده، ۱۳۶۱: ۳).

**جمخانه / جمع‌خانه:** مکانی است که اهل حق برای اجرای مراسم خاص خود در آنجا جمع می‌شوند (آزادی، ۱۳۸۲: ۶-۸۵). جمخانه را می‌توان هم‌تراز «خانقاه» دانست که در آنجا تعلیم و تربیت مریدان این مسلک انجام می‌شد. بر اساس نامه سرانجام وجود جمخانه مقید به مکان و جای خاصی نیست (صفی‌زاده، ۱۳۶۱: ۸۶). بر اساس نامه خرده سرانجام، مراسم عبادی جم باید هر هفته یک‌بار در محلی بنام جمخانه برگزار شود (همان، ۱۳۶۰: ۹). از نظر اهل حق شرکت در «جم» به جای عبادات دائمی، کافی است (افضلی شاه ابراهیمی، ۱۳۴۵: ۱۷۶). از اشخاص مهم

جمخانه می‌توان «سید»<sup>۱</sup>، «نایب سید»، «کلام‌خوان»<sup>۲</sup> و «خلیفه»<sup>۳</sup> را نام برد که هر کدام جای مخصوصی برای نشستن دارند.

**پردور یا پردیور (قبله اهل حق):** پردور یا پردیور نام پلی است که سلطان اسحاق آن را بر روی رودخانه سیروان در شمال شرقی گوران ساخته است و بر اساس نامه سرانجام، این پل در آغاز سدهٔ هشتم ه.ق. ساخته شده و این محل برای اهل حق جای بسیار مقدسی است. این پل به پل صراط تعبیر شده است. بر اساس نوشته نامه خرده سرانجام، روان درگذشتگان باید از این پل گذشته و سپس به پیکره‌هایی درآیند (صفی‌زاده، ۱۳۶۰: ۵). حرمت پردیور تا حدی است که گفته شده الهیت در پردیور حلول داشته است (همان، ۱۳۷۵: ۱۰۲). در متون اهل حق درباره اینکه پردیور معادل کعبه است، با صراحت صحبت شده است (همان، ۱۰۷ و ۱۱۱). بر اساس نوشته برخی از محققان، در واقع به فرمان سلطان اسحاق، عمارت پردیور بر مزار ایوت بنا شد تا قبله یارسان باشد (همان، ۱۰۷ و ۱۱۱؛ جیحون‌آبادی، ۱۳۴۵: ۳۶۴).

### یافته‌های پژوهش

از آنجایی که در حین مطالعات باستان‌شناسی محوطه پیر میکائیل منسوب به فرقه اهل حق، تعدادی سنگ گور با طرح و نقش خاص و نیز شواهدی از این فرقه به دست آمد، بر این اساس ضمن مطالعه این محوطه و یافته‌های حاصل از کاوش، سه گورستان دیگر به شرح ذیل که محل تدفین مردگان این فرقه بودند، مورد مطالعه قرار گرفت و تلاش گردید با سایر سنگ‌قبرهای مشابه در استان کرمانشاه مقایسه تطبیقی مختصری انجام شود. سه گورستان دیگر عبارت بودند از: گورستان پیر میکائیل، گورستان قدیمی بخش کونانی از توابع شهرستان کوه‌دشت استان لرستان، گورستان قدیمی آزاد خان در بخش دیالی اولاد قباد از توابع شهرستان کوه‌دشت استان لرستان، و گورستان قدیمی «گلم بحری» از شهرستان نورآباد لرستان.

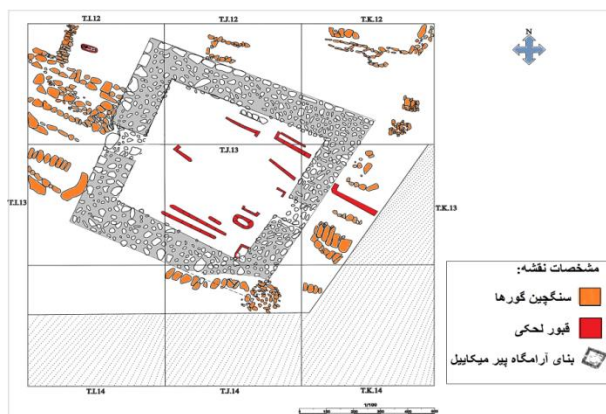
۱ سید: سلطان اسحاق، هفت خاندان به نام «خاندان حقیقت» را دایر کرد تا نسل‌های آتی از بین این خاندان‌ها، پیر و دلیل خود را برگزینند (صفی‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۰۳). آنها به عنوان «سادات خاندان حقیقت» شناخته شده‌اند. بنابراین در اصطلاح اهل حق «سید به کسی گفته می‌شود که از اولاد خاندان‌های حقیقت باشد (همان). وظیفه سید خواندن دعای نذورات است (الهی، ۱۳۷۳: ۸۵-۸۴).

۲ کلام‌خوان: کسی که به کلام بزرگان اهل حق عالم است و اذکار را در جمخانه می‌خواند (همان).

۳ خلیفه: از منصب‌داران مذهبی اهل حق و سیدی است که به عنوان جانشین پیر و مرشد برای قربانی حیوانات بر تیغ دعا می‌خواند.



شکل (۲): نمایی از بنای آرامگاه پیر میکائیل (از نگارنده)



شکل (۳): طرح بنای مقدس پیر میکائیل و گورهای محوطه (سجادی، ۱۳۹۵: ۳۸۷)

### یافته‌های حاصل از کاوش محوطه و بررسی میدانی گورستان پیر میکائیل

محوطه پیر میکائیل در روستای چم برزو از دهستان زیر تنگ سیاب بخش کوهنانی، از توابع شهرستان کوه‌دشت استان لرستان واقع شده است.<sup>۱</sup> کاوش در این محوطه از جمله کاوش‌های نجات‌بخشی در حوزه سیمره بود که به انجام رسیده است. پس از بررسی سیستماتیک محوطه پیر میکائیل، میزان پراکنش مواد فرهنگی و بقایای معماری مشخص شد (شکل ۲). با توجه به

ادر موقعیت E046 59 688 طول شرقی و N33 26 883 عرض شمالی است.

اینکه سایت در محدوده یک قبرستان قدیمی واقع شده است و در حین کاوش نیز تعدادی سنگ قبر کشف گردید، پس از پاک‌سازی رسوبات و خواناسازی نقوش و نوشته‌ها، مستندسازی و مطالعه آنها انجام شد.

مهم‌ترین یافته‌های محوطه پیر میکائیل به طور کلی عبارت‌اند از:

**الف. معماری دوره اسلامی** (آرامگاه پیر میکائیل و ...) کاوش گسترده در قسمت مرکزی محوطه با تمرکز بر روی بقایای معماری ضعیف باقی‌مانده مشهور به بقعه پیر میکائیل با روش پیگردی و لوکوسی در دستورکار این ترانسه‌ها قرار گرفت. یافته‌های کاوش نشان‌دهنده یک سازه معماری مضطرب تقریباً مربع‌شکل در بلندترین قسمت مرکز این محوطه است. این ساختار معماری به شدت مخدوش شده و فقط بخشی از دیواره شرقی آن در ارتفاع حدود ۳ متر باقی مانده است. بنا نامتقارن و ابعاد آن  $۸/۲۵ \times ۷/۶۰$  متر است. از سنگ‌های طبیعی آهکی منطقه مانند سنگ‌های مکعبی درشت و کوچک به صورت تراش‌خورده و گاهی نامنظم و لاشه‌سنگ و قلوه‌سنگ همراه با ملاط گچ نیم‌کوب استفاده شده است. بنای پیر میکائیل از لحاظ مصالح فاقد انسجام کافی بوده و در دیوارچینی آن، از روش چفت‌ویست استفاده نشده است (شکل ۳).

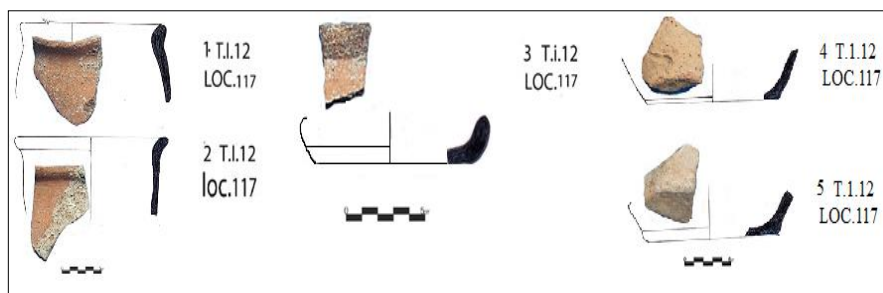
**ب. یافته‌های معماری دوره ساسانی** در ترانسه L 20 یک ساختار معماری چهارضلعی با مصالح سنگ لاشه و ملاط گچ به دست آمد.

**ج. یافته‌های معماری دستکند زیرزمینی** شامل یک قنات قدیمی که در جنوب محوطه پیر میکائیل پیدا شد و در اینجا به آن پرداخته نمی‌شود.

**د. سنگ گورهای دوره اسلامی:** تعدادی سنگ گور با نقوش خاصی در حین کاوش کشف گردید، بنابراین برای تکمیل مطالعات، سنگ گورهای محوطه پیر میکائیل، که طیف تاریخی از اواخر دوره صفویه تاکنون را در بر گرفته است، مورد بررسی قرار گرفت.

**ه. چاه‌های زباله:** در چند نقطه از سایت، چاه‌های Pit وجود داشت. در داخل آنها خاک و خاکستر و استخوان پرنده‌گان و سنگ و قطعاتی از گچ به دست آمد. با توجه به داده‌های لوکوس ۹۰۰۴ در ترانسه T.M.17 حجم زیادی از استخوان‌های حیوانی مشاهده شد که در اطراف آنها قطعاتی از سنگ‌های نامنظم چیده شده بود و سپس روی آنها را با خاک پوشانده بودند.





شکل (۴): تصویر و طرح قطعات سفالی لوکوس ۱۱۷ از ترانسه T.I.12 محوطه پیر میکائیل (سجادی، ۱۳۹۵: ۱۹۹ و ۲۰۰)

جدول (۱): نمونه سفال‌های محوطه پیر میکائیل، ترانسه T.I.12 محوطه پیر میکائیل

لوکوس ۱۱۷		ترانسه T.I.12			نمونه سفال‌های محوطه پیر میکائیل					
منبع مقایسه	دوره فرهنگی	نوع تزئینات	نوع ساخت	رنگ			نوع پوشش	ماده چسباننده	نوع سفال	شماره
				پوشش بیرون	پوشش درون	خمیره				
محمدیان، ۴۳:۱۳۹۲	فرا ساسانی	-	چرخ‌ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی غلیظ	کانی	لبه	۱
همان	فرا ساسانی	-	چرخ‌ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی غلیظ	کانی	لبه	۲
همان، ۴۵	فرا ساسانی	-	چرخ‌ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی غلیظ	کانی	لبه-کف	۳
همان، ۴۵		-	چرخ‌ساز	قهوه‌ای	قهوه‌ای	قهوه‌ای	گلی غلیظ	آلی	کف	۴
همان، ۴۵		-	چرخ‌ساز	قهوه‌ای	دست مرطوب	قرمز	گلی غلیظ	کانی	کف	۵

منبع: سجادی، ۱۳۹۵: ۲۰۰

### نگاهی به فرقه اهل حق، مرام‌ها، مناسک و مقامات روحانی

برای دستیابی به اهداف مقاله، ابتدا به اجمال مطالبی درباره خاستگاه، ارکان و مرام‌های اعتقادی این فرقه بیان می‌شود.

**خاستگاه اهل حق:** پیروان آن تا مرزهای غربی ایران، لرستان، کردستان، آذربایجان و در خارج از کشور در منطقه سلیمانیه عراق پراکنده‌اند. برخی محققان خاستگاه این فرقه را ناحیه

شهر زور در کنار رود سیروان دانسته‌اند (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۴۶)، اما برخی دیگر هسته پیدایش طریقت یارسان را در لرستان دانسته‌اند (کازمی، ۱۳۸۰: ۱۱۵). اغلب یادمان‌های مقدس اهل حق نیز در نواحی غربی ایران به ویژه استان لرستان و در شهرستان کوه‌دشت واقع شده‌اند.

در مورد تاریخ پیدایش فرقه اهل حق مطلب مستند و استواری در کتب تاریخ ملل و نحل در دست نیست (آقاجری و استهری، ۱۳۹۲: ۱-۲۴). با این حال برخی محققان معتقدند که تاریخ پیدایش این فرقه به قرن ۲ ه. باز می‌گردد و در قرن ۷ و ۸ ه. سلطان اسحاق (۶۷۵-۷۹۸ ه.ق.) به تجدید حیات آن پرداخته و بر همین اساس وی مؤسس مسلک اهل حق محسوب شده است (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۵).

مینورسکی مسلک اهل حق را مشتق شده از مذهب شیعه می‌داند که سرانجام منجر به تشکیل یک نظام مذهبی مجزا شده و در بنیان آن افراط‌گرایی شیعه قابل مشاهده است (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۳۸) فرقه اهل حق، به دلیل انتساب‌شان به غلات تشیع به نوعی بدعت شمرده شده‌اند و از فرق پررمزوراز ناحیه جبال محسوب می‌شوند که بسیاری از مفاهیم ایران باستان را حفظ کرده‌اند. (دهقان، ۱۳۸۲: ۴۷-۵۳)، تا آنجا که آداب و مناسک اهل حق تا حد زیادی به آداب صوفیه شباهت دارد. برخی نیز عقیده دارند که پیدایش مسلک اهل حق نوعی ایستادگی در برابر اعراب بوده است (صفی‌زاده، ۱۳۷۶). همچنان که اهل حق معتقدند که صحن باباخوشین مقر و اردوگاه سپاه وی بوده است. سپاهی که به سپاه نهصده معروف بوده است، ولی در مورد چرایی این نام‌گذاری و خود سپاه، اطلاعی در دست نیست. در اشعار قدیمی که به زبان لکی سروده شده، از شاه خوشین و سپاه نهصده صحبت شده است.

«خورد نهصده سپاه شاه خوشین و عشق داود چنی بنیامین»

ترجمه: جمعی که درخور و شایسته سپاهیان نهصده شاه خوشین است، با ارادت به داوود و پیر بنیامین تشکیل شده است:

گاهی بلوران جای نهصدان بی دنگ نعره‌ی مولای مردان بی»

(چراغ پوران، ۱۳۸۸: ۱۲۲)

ترجمه: گاهی بلوران محل حضور ۹۰۰ نفر (سپاه باباخوشین) بود و صدای نعره حضرت علی (ع) به گوش می‌رسید (لرستانی، ۱۳۷۶: ۳۸). در زمینه فعالیت‌های نظامی شاه خوشین، در

مجمعل‌التواریخ، در بخش آغاز دولت آل بویه و اخبار ایشان، از یک امیر «کرد» به نام خوشین مسعود در ۴۰۸ ه.ق. نام برده شده است: «پس اندر سنه ی‌خمس و اربعمایه بدر حسنو را با خوشین مسعود کارزار افتاد به کنار سپیدرود و شمس‌الدوله به یاورى بدر همی رفت. چون بشنید که بدر خوشین را به هزیمت کرد از راه بازگردید. و بدر خوشین را حصار همی داد» (ابن مهلب، بی‌تا: ۴۰۱). وی در کتب با نام مسعود کرد علوی سیروانی شناخته شده است (آقاجری و استهری، ۱۳۹۲). همچنین در کلام حسن آقا، به نام «بقیشله»، شاعر دست به دامان حمایت هفتاد و دو سردار، ۳۶۶ دلاور (آر)، ۴۴۴ چراغچی، ۹۹۰۰ خدمتگزار و... می‌شود (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۴۷). این موارد نشان می‌دهد که این مسلک در قرن چهارم ه.ق. از ساختاری مذهبی/نظامی برخوردار بوده است. با وجود ابهامات زیاد در این زمینه به نظر می‌رسد که این فرقه در ابتدا شاخه‌ای از تشیع بوده که به علت فشار حکومت‌های وقت که عمدتاً سنی مذهب بوده‌اند، به صورت پنهانی به حیات خویش ادامه داده است. از آنجایی که اصول این آیین بر مبنای رازداری بنا نهاده شده است، آنها در طول تاریخ حیات خود همواره کوشیده‌اند اسرار و آداب و آموزه‌های آیین خود را مخفی نگه دارند (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۸). این موضوع این نظریه را تقویت می‌کند که اهل حق احتمالاً بی‌ارتباط با نهضت علویان جبال نباشد.<sup>۱</sup> بعد از حمله مغول، انواع فرق مذهبی در اقصی نقاط ممالک اسلامی بروز و ظهور بیشتری پیدا کردند. در این دوره سلطان اسحاق به سازمان‌دهی مجدد اجتماعی و دینی فرقه اهل حق اقدام کرده است. شاخه‌های زیرمجموعه نشان‌دهنده یک ساختار نظامی مذهبی است. وی در این سازماندهی، یاران خود را در ۱۲ طبقه در طول هم دسته‌بندی کرد: ۱. هفتن، ۲. هفتوانه، ۳. هفت نفر قوئل‌طاس، ۴. هفت هفتوانه، ۵. چهل تن، ۶. چهل چهل‌تنان، ۷. هفتاد و دو پیر، ۸. شصت‌وشش غلام کمر بند زرین، ۹. نودونه پیر شاهو، ۱۰. هزار و یک غلام خواجه صفت، ۱۱. بیور هزار (ده هزار)، ۱۲. بی‌ون غلام (هزارهای بی‌شمار). (الهی، ۱۳۷۳: ۴۵-۴۷). وی هفت خاندان به نام خاندان‌های حقیقت ایجاد کرد و پس از وی خاندان‌های دیگری نیز از هفت خاندان اصلی شکل گرفتند (آقاجری و استهری، ۱۳۹۲: ۲۳۴).

۱ در این رابطه نک. کتاب قیام و نهضت علویان زاگرس (تاریخ تحلیلی اهل حق) تألیف محمدعلی سلطانی (۱۳۷۶)

## سلسله‌مراتب و مقامات روحانی و تبارشناسی مذهبی پیر میکائیل در فرقه

### اهل حق

برای تبارشناسی پیر میکائیل ابتدا به واکاوی مهم‌ترین دسته‌های روحانی، سلسله‌مراتب و مقامات اهل حق پرداخته می‌شود تا بر آن اساس بتوان جایگاه وی را در مسلک اهل حق نسب‌شناسی کرد.

### مهم‌ترین دسته‌های روحانی اهل حق

مهم‌ترین دسته‌های روحانی مسلک اهل حق عبارت‌اند از: هفتتان، هفتوان، هفت خلیفه، هفت قول طاسان که در طول دوره‌های مختلف در سه مقام ظاهر شده‌اند (خواججه‌الدین، ۱۳۶۲: ۱۳). علاوه بر این‌ها از چهل تن و چهل‌تنان و هفتادودو تن نیز صحبت شده است (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۴۷؛ مشکور، ۱۳۷۵: ۸۷). در این دسته‌بندی، ملا رکن‌الدین دمشقی ملقب به پیر موسی یا پیر میکائیل که در تأسیس فرقه اهل حق نقش داشته، یکی از هفتتان به شمار آمده است. وی سمت دفترداری و منشی سلطان اسحاق را بر عهده داشته و در مقامات روحانی هم ذات میکائیل و مأمور ثبت اعمال است. در دسته‌بندی یاران سلطان اسحاق در گروه هفتادودو پیر به شمار آمده که در طبقه هفتم قرار دارند و منتظر تجلی ذات حق هستند (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۴۷).

### مهم‌ترین مقامات روحانی اهل حق

شاه/سلطان: بر اساس نامه سرانجام، شاه یا سلطان، مظهر حق و آئینه تمام‌نمای خداوند است (صفی‌زاده، ۱۳۶۱: ۳) و نیز لقب کسی است که با طی مراحل با تأیید الله به آخرین مرحله کمال رسیده و مقام اولی‌الامری و مظهر الهی را حائز شود (همان، ۱۳۷۵: ۵۸۹). این لقب که برای رهبر این فرقه «سلطان اسحاق» به کار رفته است، به عنوان پیر مقام ارشاد است.

ایوت: از مقامات بالا در این فرقه بوده و بابا یادگار که از مرشدان اهل حق بوده است، به مقام ایوتی رسیده است. در «نامه سرانجام» لقب شاه ابراهیم نیز «ایوت» بوده است (همان، ۵۸۸).

بابا: بر اساس ریشه‌شناسی تاریخی، باباها در قرون ۴ تا ۶ه. به منصف ظهور رسیده‌اند و قبل از پیرها به فعالیت پرداخته‌اند. اهل حق، باباها را مرشدان خود می‌دانند. بابایادگار، باباناووس، باباطاهر، بابابزرگ (امامزاده ابراهیم) از آن جمله هستند.

پیر: پیر کسی است که در انجام تشریفات مذهبی و مراسم سرسپردگی سمت خاصی دارد و مقام او بالاتر از مقام دلیل است (همان، ۲۴). پیرها، مقام و پایه ارشاد و راهنمایی را داشته‌اند (همان، ۲۸).

**دلیل:** در اصطلاح اهل حق کسی است که با اجازه پادشاه و پیر، واردین به مسلک اهل حق را هدایت و دستگیری می‌کند و سپس به پیر می‌سپارد (همان، ۵۹۴).  
**شیخ:** این لقب برای «حبیب شه» به کار رفته است. مقبره‌ای به نام بابا حبیب در کوه‌دشت لرستان وجود دارد.

**چراغ:** در متون اهل حق از ۴۴۴ چراغچی یاد شده است (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۴۷).  
**خادم:** فرد معینی است که در جمع وظیفه اعلام آغاز و پایان جمع، توزیع نوال و نذور، اجراء اوامر مربوط به جمع و سایر تشریفات و انتظامات و گفتن تکبیر مخصوص نذر، تا سید دعای آن را بخواند، را به عهده دارد (صافی‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۹۰).

## بازتاب برخی رفتارهای فرهنگی و اعتقادی اهل حق به صورت نماد و نشانه در میراث ملموس

**مهم‌ترین رفتارهای فرهنگی و اعتقادی فرقه اهل حق:** از جمله اقدامات و قوانینی که سلطان اسحاق ایجاد کرده است، بنای «خاندان‌های حقیقت»، مراسم «سر سپردن»، «جوز شکستن»، «انتخاب پیر و دلیل» و تعیین وظایف آنها، تشکیل مجمع دینی با ایجاد «جمع‌خانه»، با تشریفات و آداب مخصوص «روزه سه روزه» و بالاخره «آیین قربانی و خدمت» (نذر و نیاز) است (طیبی، ۱۳۵۱: ۵۴؛ مازندرانی، ۱۳۷۸: ۳۴). بر این اساس می‌توان مهم‌ترین رفتارهای فرهنگی و اعتقادی خاص این فرقه را به شرح ذیل بیان کرد:

«انجام مراسم آئینی در مکان‌هایی به نام جمخانه؛ پوشیدن لباس سفید و گذاشتن کلاهی بر سر و کمربندی بر کمر در هنگام انجام مراسم قربانی و نیایش؛ قربانی کردن حیوانات نر؛ انجام نیایش مخصوص آب؛ خواندن کلام‌های مقدس؛ نواختن تنبور؛ اصلاح نکردن شارب؛ برگزاری اعیاد خاص همانند جشن هفت‌روزه یاران که در زمستان برگزار می‌شود؛ مقدس شمردن برخی اعداد از جمله در نمادهای هفت تن، هفت یار قول طاس، هفت خلیفه، هفت خادم، هفت هفتون، هفت نفر بودن در مراسم دعا و قربانی، هفت قسمت بودن نامه سرانجام، هفتادودو پیر،

هفتادودو مقام موسیقی آیینی، چهل تن، شصت‌وشش بنده کمر زرین، نودونه پیر شاهو» (محمدیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۹۳-۱۰۸).

**رازداری و سر مگو:** یکی از مهم‌ترین رفتارهای فرهنگی که بر سایر رفتارهای فرهنگی این فرقه سایه افکنده و شاید بتوان آن را علت برخی از نمادهای به کار رفته دانست، رازداری یا همان «سر مگو» بوده است. بر اساس اعتقاد برخی از محققان اصول این آیین بر مبنای رازداری بنا نهاده شده است (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۶۸). از جمله دلایل دشواریابی متون اهل حق را می‌توان اعتقاد به سر مگو در نزد این فرقه دانست (رحیمی و آذر، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۳۸). دست‌نوشته‌هایی که گردآوری شده است، غالباً به عنوان سر مگو با زبانی رمزی و با استفاده از کنایه و استعارات عرفانی از سوی پیران و قوالان برای پیروان اهل حق بازگو می‌شد (اوحدی و جودکی، ۱۳۹۴: ۲۶). برخی از پژوهشگران علت موسوم شدن پاره‌ای از تعالیم و متون آیینی اهل حق به عنوان سر مگو را مواجهه با محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی دانسته‌اند (همان، ۲۶). سلطان اسحاق دستور داده که از فاش کردن اسرار و بیان کردن اسرار حقیقت خودداری کنند. در نامه سرانجام از زبان وی بیان شده است:

«راز نکران فاش، راز نکران فاش      هانا ای یاران، راز نکران فاش

ای واچه و رمز واچن پری تاش      نکا سرانجام پخته بن نه تاش»

یعنی «اسرار را فاش نکنید، اسرار را فاش نکنید! زنه‌ار یاران! اسرار را فاش نکنید. حکمت را باید در قالب رمز برای یاران‌تان بیان کنید. مبادا که سرانجام در آتش اعمال‌تان بسوزید» (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۲۲).

**احترام به سمت پریور و کوه دالاهو:** از دیگر رفتارهای فرهنگی این است که اولین کسی که می‌خواهد وارد جمخانه شود، باید در کمال تواضع و فروتنی و ذکر نام حق در آستانه جمخانه سر فرود آورد و از طرف دست راست دو زانو رو به پریور بنشیند که قبله اهل حق است (همان، ۱۳۶۰: ۹). همچنین در میان اهل حق، دسته‌ای هستند که اموات خود را به سمت پریور دفن می‌کنند (افضلی شاه ابراهیمی، ۱۳۴۵: ۶۶۰). ورودی برخی از مقابر فرقه اهل حق نیز به سمت شمال منطقه است.<sup>۱</sup> علت این امر ادای احترام به سمت کوه دالاهو در کرمانشاه است که به خاطر وجود یادمان‌های مذهبی از تقدس بسیاری برخوردار است. بر اساس روایت

۱ بازدیدهای میدانی نگارنده

شاهنامه حقیقت، حقایق باطنی بر بابابادگار، بر فراز کوه دالاهو آشکار شد (جیهون‌آبادی، ۱۳۴۵: ۲۹۶).

**دونادون/ تناسخ و بازتاب آن به صورت نماد:** اساس تفکر اهل حق، آشکارا بر اصول حلول، تناسخ و تجسد ذات خداوند استوار است و سیر تکامل صعودی و نزولی روح بشر را بعد از مرگ به صورت گردش‌های متوالی (تناسخی) و هزار و یک‌گانه در اجساد مختلف انسان و حیوان می‌دانند که اصطلاحاً به آن دونادون می‌گویند (رحیمی، ۱۳۹۴: ۱۱۹-۱۳۸؛ صفی‌زاده، ۱۳۶۱: ۱۳؛ القاضی، ۱۳۵۹: ۱۲). رساله منظوم «بارگه بارگه» که پیر میکائیل در زمره سراینده‌گان آن قرار دارد، به دونادون اشاره دارد. به عقیده اهل حق، خداوند در هفت جامه یا هفت تن پاک حلول کرده است. نخست در جامه «خاوندگار» مجسم شد. تجسم دومش، جامه «علی» بود. ظهور اهل حق، از تجسم سوم است. بر اساس نامه سرانجام، خداوندگار بخشی از روان جاودانی خود را جدا می‌کند و فرشتگانی چند را با نیروی خود به نام‌های هفتن، چهل تن، چهل تن، هفت خلیفه، بیور هزار غلام و بیور غلام می‌آفریند (صفی‌زاده، ۱۳۶۰: ۴۵). علاوه بر این ممکن است الوهیت (ذات خداوند) در هر تن پاک دیگری جلوه کند و در هر بار الوهیت با همراهی چهار ملک و یک زن ظهور می‌کنند (همان، ۱۳۶۱: ۱۳-۱۲ مشکور، ۱۳۸۵: ۸۰، خدابنده، ۱۳۸۸: ۹۱، Minorsky, 1986: 260).<sup>۱</sup>

جامه به جامه/ تناسخ (دونادون) حلول در این مسلک، به غوطه خوردن بط در آب تشبیه شده است، همچنان که «بط» (مرغابی) از یک سو به داخل آب غوطه می‌خورد و از سوی دیگر سر برمی‌آورد، انسان نیز پس از مرگ در قالب شخص دیگری به دنیا می‌آید. در این رابطه شیخ امیر زوله‌ای، یکی از شخصیت‌های مورد احترام سروده است (صفی‌زاده، ۱۳۶۰: ۱۴۸):

«یاران نه ترسان نه سیاسته      ته سلیمی گیانان چوین غوطه بطه  
هر کس بزانو شون جامه ویش      نه کوچ و رو رو ندارو اندیش»

ترجمه: ای یاران، از این سیاست نترسید، تسلیم روح همچون غوطه زدن مرغابی در آب است. هر کسی که شرح حال زندگی‌های قبلی خود را بدانند، از این کوچ و آمد و رفتن‌های روح هیچ‌گاه دلگیر نمی‌شود (طاهری، ۱۳۹۲: ۱۸۹ و ۱۹۷-۱۹۶).

۱ برای کسب اطلاعات بیشتر درباره تجلیات هفت‌گانه خداوند نک. خواجه‌الدین، ۱۳۶۲: ۱۳.

## تحلیل یافته‌های پژوهش

بر اساس کنکاشی که درباره مکان‌ها و نام مکان‌های موسوم به پیر میکائیل در جغرافیای منطقه غرب کشور انجام شد، چند مکان به عنوان محل دفن پیر میکائیل معرفی شد یا به نام وی موسوم هستند. زیارتگاه پیر میکائیل در شهرستان دیواندره یکی از مکان‌های موسوم به نام این پیر است که بنایی نوساز و فاقد شواهدی از یک بنای تاریخی است.<sup>۱</sup> زیارتگاه پیر میکائیل در روستای سنته (Sunete) از توابع بخش امام در شهرستان سقز است (ویکی اطلس فرهنگی ایران، ۱۳۹۵) و فاقد آثاری از بنای تاریخی است. علاوه بر این دو گورستان نیز نام پیر میکائیل وجود دارد؛ یکی قبرستان پیر میکائیل مله امیرخان در بخش مرکزی شهرستان اسلام‌آباد غرب در دهستان حومه شمالی است که به دوره قاجار مربوط بوده و دیگری گورستان پیر میکائیل روستای دودان در اورامانات و ۲۰ کیلومتری جنوب غربی پاوه قرار دارد.

بر این اساس تنها آرامگاه منسوب به پیر میکائیل که دارای سازه معماری است، همین آرامگاه پیر میکائیل مورد بحث در کوهدشت لرستان است که مورد توجه و تقدس فرقه اهل حق در شهرستان‌های کوهدشت و دلفان است (شکل ۳).

این آرامگاه اکنون یک سازه مضطرب مربعی شکل در ابعاد حدود  $7/5 \times 7/5$  متر با ارتفاع ۳ متر است که با سنگ‌های طبیعی به صورت تراش خورده همراه با ملاط کار شده است. بنا، فاقد کتیبه و سنگ‌قبر است و در متون و منابع تاریخی نیز درباره این بقعه مطلبی بیان نشده است.<sup>۲</sup> این آرامگاه از دیرباز تاکنون، مورد تقدس و احترام اهل حق لرستان بوده و اموات خود را در اطراف این آرامگاه دفن کرده‌اند (سجادی، ۱۳۹۵: ۱۴۳).

## تبارشناسی پیر میکائیل

بر اساس مباحث مطرح شده پیر میکائیل در زمره هفتادودو پیر<sup>۳</sup> (مسلمی‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۸-۴۷) که از یاران سلطان اسحاق بوده‌اند، قرار داشته و دارای مقام و پایه ارشاد و راهنمایی بوده

۱ این زیارتگاه در استان کردستان، شهرستان دیواندره، بخش کرفتو، در روستای قره دره قرار دارد.

۲ با اینکه سر هنری راولینسون خاورشناس انگلیسی، مسیر شیروان به رودبار را پیموده است، اما درباره این آرامگاه مطلبی بیان نکرده است (Rawlinson, 1839).

۳ پیر: یکی از عناوین مصطلح و مهم مزارات ایران کلمه «پیر» است که از دوران پیش از اسلام وجود داشته است. لفظ پیر در دوره اسلامی معادل شیخ در زبان عربی، وجه خود را همچنان حفظ کرده و جنبه مذهبی نیز به خود



است.<sup>۱</sup> علاوه بر این در متون اهل حق، از پیر میکائیل با عنوان پیر شش پنجه یا پیر هزار ماله جاف و پیر میکائیل دودانی یاد شده است. در نامه سرانجام آمده است که پیر میکائیل دودانی فرزند شیخ موسی برزجه‌ئی و پسرعموی سلطان اسحاق در دبه دودان متولد شده است. پیر میکائیل در آغاز با سلطان اسحاق دشمنی ورزید و سپس آئینش را پذیرفت و دخترش داداساری را به نام کنیز به وی بخشید که بابایادگار از او متولد شد. وی یکی از هفتادودو پیر در آئین یارسان به شمار می‌رود (صفی‌زاده، ۱۳۷۶: ۷۵ و ۷۶). پیر میکائیل در ردیف هفتن قرار می‌گیرد و به مقام ایوتی می‌رسد. وی همچنین در زمره سرایندگان رساله بارگه بارگه قرار دارد که منظومه‌ای است شامل ۷۲ بند که توسط ۷۲ پیر سروده شده و درباره فرود آمدن بارگاه‌های ذات الهی و گردش ارواح فرشتگان در پیکره پیامبران و پادشاهان و سرداران ایران است (همان، ۱۵). سرایندگانی که رساله بارگه بارگه را به نظم درآورده‌اند، همه از پیران و عرفای قرن ۸ ه. بوده‌اند که برخی از آنان از مردم مناطق کردنشین و عده‌ای هم از هند، چین، عراق و کشورهای دیگر به اورامان آمده و پس از ریاضت‌های فراوان به مقام سلوک و پیری رسیده و در ردیف ۷۲ پیر قرار گرفته‌اند (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۳۲). در کتاب سرانجام «دوره هفتن»، اشعاری منتسب به پیر میکائیل وجود دارد (همان، ۹۵).

## بازتاب دوناودون / تناسخ به صورت نماد

### نقش سمبلیک حوض و بط

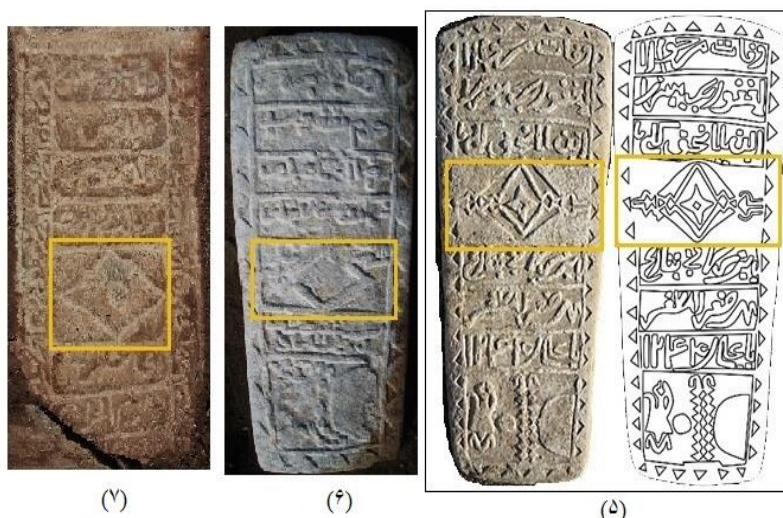
بر این اساس برخی از سنگ قبور گورستان پیر میکائیل و برخی دیگر از گورستان‌ها، حاوی نقش هندسی به اشکال لوزی، مستطیل و مربع است که نشانه «حوض آب» در مرکز آن است و نقش چهار بط و در مواردی شش بط در دو طرف آن وجود دارد و در برخی نقش بط وجود ندارد. با توجه به آنچه پیشتر بیان گردید، این نقش نمادی از حوض آب است و بط‌ها نیز به مثابه

---

گرفته و هر کجا که می‌خواستند قداستی برای شخص یا مکان زیر نظر او قائل شوند از کلمه «پیر» استفاده می‌کردند (زنگنه، ۱۳۷۳: ۱۹۲). در نامه سرانجام بیان شده است: «پیر یادآور پایگاه پیامبر اسلام در میان یاران اوست؛ چنانکه می‌فرماید: «الشیخ فی قومه کالنبی فی امته» و «پیر باید مرید را در مراحل و منازل هفتگانه تصوف ارشاد نماید» (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۳۲). در مسلک اهل حق، پس از مقام مظهریت حق، پیر اعلی مقام اهل حق است که شاه و مرید در جم به وی سر می‌سپارند و آن مقام جبرئیل یا پیر بنیامین است و مظاهر اوست (همان، ۵۹۰).  
۱ برای اطلاعات بیشتر نک. نامه سرانجام بخش بارگه.

روح انسان در این حوض غوطه می‌خورند و از طرف دیگر سر برمی‌آورند که نماد مظهریت و جامه به جامه / تناسخ (دونادون) شدن در مسلک یارسان است. (شکل ۸ تا ۱۰).

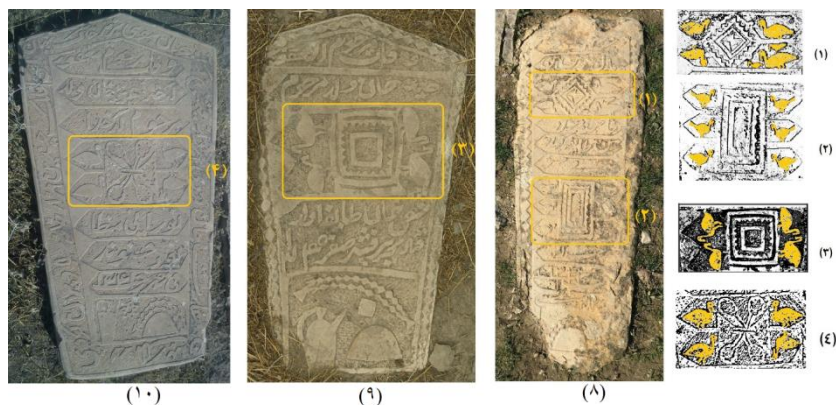
از آنجایی که پیر میکائیل مورد احترام و تقدس مردم منطقه است و به همین دلیل از گذشته‌های دور تاکنون طایفه اهل حق و مردم منطقه، اموات را در این محل دفن کرده‌اند، به مرور زمان قبرستانی با سنگ گورهایی به اشکال مختلف در پیرامون آرامگاه شکل گرفته است. بر روی سنگ گورها، از مظاهر مذهبی همچون مهر، تسبیح، سجاده، محراب، آیینه و کتیبه‌هایی از احادیث و آیات قرآنی و نمادهایی از آداب و رسوم مردم منطقه از جمله مهمان‌نوازی و شکار و برخی مظاهر طبیعی در قالب مضامین تصویری و نقوش نمادین مانند نقش حوض آب (شکل ۵-۷) و گاهی نیز از نقش استلیزه خورشید استفاده شده است (شکل ۵ و ۷) که نمادهایی از تفکرات و اعتقادات کهن دینی مردمان این سرزمین است. با وجود اینکه قدمت گورستان به قبل از صفویه برمی‌گردد، اما قدیمی‌ترین تاریخ شناسایی شده بر روی سنگ گورها متعلق به دوره کریم‌خان زند است.



شکل (۵): طرح و تصویر سنگ قبر، ۱۲۴۴ ه.، یا علی، با نقش نمادین حوض آب با نقش استلیزه خورشید (نگارنده)

شکل (۶): سنگ قبر، به تاریخ شهر ۱۱۷۷ ه.، با نقش نمادین حوض آب لوزی شکل (همان)

شکل (۷): تصویر سنگ قبر منطقه سر آستان خرم‌آباد، نقش لوزی و نقش دایره در مرکز آن (همان)



شکل (۸): قبرستان چراغ خان کوهدشت سنگ‌قبر با دو طرح حوض و بط (طرح ۱ و ۲) تاریخ ۱۳۲۴ ه.ق. (نوریان هاشم‌آبادی، ۱۳۹۸)

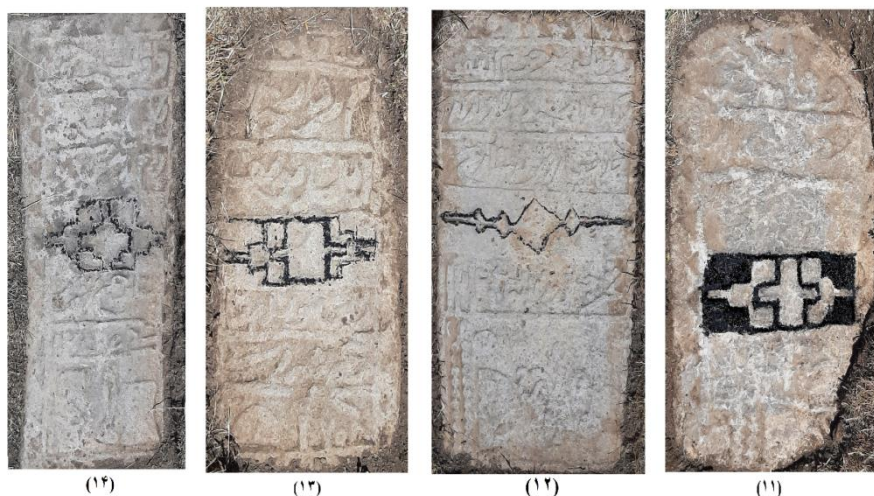
شکل (۹): قبرستان چراغ خان کوهدشت، سنگ‌قبر با طرح حوض و بط (طرح ۳) تاریخ ۱۳۲۴ ه.ق. (همان)  
 شکل (۱۰): قبرستان روستایی دیالی کوهدشت، سنگ‌قبر با طرح حوض و بط (طرح ۴) تاریخ ۱۳۴۱ ه.ق. (همان)

جدول (۲): شهرستان کوهدشت، سنگ‌گورهای گورستان‌های پیر میکائیل، محمد زمان خان، و چراغ خان

موقعیت	مشخصات / تاریخ	نوع نقش	طرح	نقش نمادین یک حوض آب
گورستان پیر میکائیل.	سنگ‌قبر، سید رضا سنه ۱۱۷۷ ه.ق.	لوزی / استلیزه		
قبرستان محمد زمان بیگ	مرحوم فاطمه بنت کدخدا حسین ۱۲۴۰ ه.ق.	نقش چلیپا با نقش سر پیکان یا فلش به چهار سمت		
قبرستان محمد زمان بیگ	بی‌نام و بی‌تا، ابن کدخدا جافریگ	ترکیب مربع و لوزی و سر پیکان و دو مثلث		
قبرستان محمد زمان بیگ	شکر بگ ولد توشمال منصور بگ ۱۲۴۲ ه.ق.	نقش چلیپا		

نقش نمادین یک حوض آب	طرح	نوع نقش	مشخصات / تاریخ	موقعیت
		لوزی با ستاره، نقش استلیزه خورشید	بک میرزا ۱۲۴۴ ه. یا علی	گورستان پیر میکائیل.
		نقش لوزی و چهار پرنده در چهار گوشه آن	کدخدا حاجی غلامعلی سنه ۱۲۶۱ ه.ق.	بخش کونانی قبرستان محمد زمان بیگ
		چهار پرنده با نقش لوزی حوض لوزی	تشمال حسین ابن خاص مراد سنه ۱۳۴۲ ه.ق.	قبرستان چراغ خان
		نقش چلیپا و مربع	تشمال منصور بگ ولد عالیجاه مهرابیگ سنه ۱۲۴۷ ه.ق.	بخش کونانی قبرستان محمد زمان بیگ
		نقش حوض با مربع‌های متمرکز مصراع: دست من و دامان تو یا شاه نجف	اکبرخان ابن عالیجاه حسین منصوری سنه ۱۳۳۵ ه.ق.	بخش کونانی قبرستان محمد زمان بیگ
		نقش حوض مستطیل با شیش بط در دو طرف آن	تشمال حسین ابن خاص مراد سنه ۱۳۴۰ ه.ق.	قبرستان چراغ خان اولاد قباد
		نقش حوض مربع با چهار پرنده	صید خان ولد تقی‌خان، سنه ۱۳۴۰ ه.ق.	قبرستان چراغ خان اولاد قباد
		چهار بط با نقش استلیزه حوض	کدخدا عزیز خان ولد کدخدا نورایی سنه ۱۳۴۱ ه.ق.	قبرستان چراغ خان

منبع: یافته‌های تحقیق







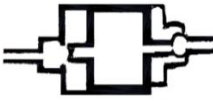







شکل (۱۱): گورستان روستای گولم بحری، سنگ قبر با طرح استلیزه حوض تاریخ ۱۲۰۸ ه.ق. (نگارنده)  
شکل (۱۲): گورستان روستای گولم بحری، سنگ قبر با طرح استلیزه حوض آب ۱۲۴۴ ه.ق. (همان)  
شکل (۱۳): گورستان روستای گولم بحری، سنگ قبر با طرح استلیزه حوض آب ۱۲۱۴ ه.ق. (همان)  
شکل (۱۴): گورستان روستای گولم بحری، سنگ قبر با طرح استلیزه حوض آب ۱۲۶۲ ه.ق. (همان)

در قبرستان گولم بحری شهرستان دلفان، نقوش به کار رفته هم به صورت استلیزه و هم از قدمت بیشتری نسبت به نقوش گورستان‌های قبرستان چراغ خان بخش اولاد قباد، روستایی دیالی و گورستان پیر میکاییل برخوردار هستند (شکل ۱۱ تا ۱۴ و جدول ۳).  
این ابیات بر روی سنگ گور پیروان اهل حق گورستان گلم بحری نورآباد لرستان نوشته شده است.

«یارسان نترسن مرگ سیاسته      تسلیم گیانان چون غوطه بطه  
هر کس بزانو و بنکه ولش      کوچ و رو رو ندارو اندیش»  
(فرزین، ۱۳۸۴: ۱۲۴)

ترجمه: «ای گروه یارسان از مرگ نترسید، مرگ یک سیاست است. تسلیم جان‌ها مانند غوطه خوردن بط در آب است. هر کسی این را بداند از این مهاجرت اندیشه‌ای به خودش راه نمی‌دهد»

جدول (۳): شهرستان دلفان، بخش مرکزی، گورستان روستای گولم بحری

موقعیت	مشخصات/تاریخ	نوع نقش	طرح حوض آب	نقش نمادین یک حوض آب
گورستان گولم بحری	سنگ قبر، سنه ۱۲۶۲ ه.ق.	نقش چلیپایی		
گورستان گولم بحری	نام نامشخص ۱۲۰۸ ه.ق.	نقش چلیپا		
گورستان گولم بحری	سردارخان ابن یوسف ۱۲۱۴ ه.ق.	نقش چلیپا		
گورستان گولم بحری	کدخدا محمود بگ ۱۲۴۴ ه.ق.	نقش لوزی		
گورستان گولم بحری	کدخدا علی سنه نامشخص	نقش چلیپا و مربع		
گورستان گولم بحری	۱۲۰۵ ه.ق. (نام نامشخص)	نقش حوض چلیپا		

منبع: یافته‌های تحقیق

### نقش سمبلیک به فرم سر پیکان / نماد درخت سرو:

برخی از پژوهشگران نقش شبیه سر پیکان که به صورت صلیب بر روی سنگ قبور ایجاد شده است و در اکثر موارد، جهت آن به چهار سمت است را نماد درخت سرو دانسته‌اند که از نشان‌های اساطیری پربسامد است. به عقیده برخی از پژوهشگران اگر سرو مانند تصویر حک شده بر روی سنگ‌قبرها به صورت صلیب ترسیم شود (جدول ۴)، از یک سو نمادی از شجاعت شخص متوفی و جاودانگی نام و یاد اوست و از سوی دیگر، شاید نشانه مسیح بودن متوفی باشد. البته این همراهی بیانگر این نکته نیز هست که هنوز باورهای مهرپرستی در میان




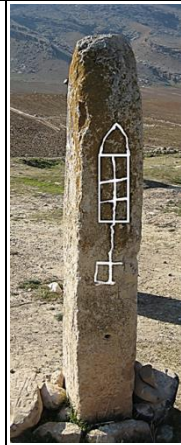
مردم منطقه زنده است، زیرا سرو صلیب در آیین مهرپرستی با خورشید پیوند دارد (قاسم‌زاده و فرزی، ۱۳۹۸: ۲۷-۵۱). برخی از محققان خارجی عدد ۴ را با مربع و صلیب مرتبط و مربع را نماد زمین دانسته‌اند (گبران و شوالیه، ج ۳: ۱۳-۱۲). این عدد در عناصر اربعه کهن الگوی شناخته‌شده در اساطیر و فرهنگ‌هاست. بر اساس نامه سرانجام در آغاز آفرینش نیز چهار فرشته آفریده شدند (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۵۵۴) و در هر بار الوهیت با همراهی چهار ملک و یک زن ظهور می‌کنند (مشکور، ۱۳۸۵: ۸۰). همچنین سفارش شده است اصول پاکی و راستی و نیستی و بخشش را به گوش بسپارید. سلوک دارای مراحل چهارگانه است: مقام شریعت، معرفت، حقیقت (جیهون‌آبادی، ۱۳۴۵: ۱۳). بنابراین عدد چهار مراحل رشد و نمو معنوی و رسیدن به تمامیت و کمال است (اوحدی حائری و جودکی، ۱۳۹۴). به نظر می‌رسد این نقش که در برخی سنگ گورها در داخل نقش مربع و لوزی قرار گرفته که گونه‌ای از نقوش مربوط به نماد حوض آب است، در ارتباط با الوهیت و نماد تناسخ باشد که پس از مرگ هر اهل حق، مجدداً در کسوت جدیدی ظهور می‌کند.

جدول (۴): سنگ گورهای با نماد به شکل سر پیکان

				
				
سنگ قبر افراشته، کرمانشاه روستای سوران (همان)	سنگ قبر افراشته، کرمانشاه روستای سوران (قاسم‌زاده و فرزی، ۱۳۹۸)	سنگ قبر افراشته، گورستان چفته، کرمانشاه (احمدزاده و همکاران، ۱۳۹۷)	سنگ قبر افقی، لرستان، کوه‌دشت (نگارنده)	سنگ قبر افقی، لرستان، کوه‌دشت (نگارنده)

**نقوش سمبلیک روی سنگ قبرهای افراشته:** بر روی سنگ قبرهای افراشته گورستان محمد زمان بیگ، نقوشی سمبلیکی وجود دارد که احتمالاً در ارتباط با باورهای دینی مسلک اهل حق باشند (جدول ۴). این نقش از چهارده مربع در دو ردیف هفت‌تایی موازی تشکیل شده که در قسمت رأس به نقشی به شکل سر پیکان با جهت رو به بالا منتهی شده است. نقش سر پیکانی این سنگ‌های افراشته را می‌توان با نقش سر پیکانی در سنگ‌های افقی مقایسه کرد (جدول ۲). در یکی از بندهای گلیم و کول عدد ۱۴ در بیان طبقات هفتگانه زمین و آسمان آمده و نمادی از زمین و آسمان است: «چهارده لوح می‌چرخد» (صفی‌زاده، ۱۹۶-۱۹۷). در گلیم و کول آمده است: هفتوانه و هفتن در یک لوح سنجیده می‌شوند. زمین و آسمان به نور این چهارده تن روشنی می‌یابد (همان، ۱۹۶-۱۹۷). خداوند در آغاز آفرینش در هفت جامه یا هفت تن پاک حلول کرده است هفتن و هفتوانه از یک دور مانده‌اند.... منظور هفت تن اصلی و هفت پیر دیگر که در کشتی با بنیامین بوده‌اند (همان، ۱۹۷). همچنین در نامه سرانجام عدد چهارده نمادی از ماه شب چهارده، جمع زمین و آسمان و نیز نماد نورانیت پیروان اهل حق در راهنمایی و هدایت یارسان در سلوک معنوی است (همان، ۱۹۷).

جدول (۴): سنگ‌های افراشته، شهرستان کوهدشت و دلفان

				
سنگ شماره ۳. قبرستان گلوم بحری شهرستان دلفان	طرح سنگ افراشته شماره ۲	سنگ افراشته شماره ۲. قبرستان محمد زمان بیگ	طرح سنگ افراشته شماره ۱.	سنگ افراشته شماره ۱. قبرستان محمد زمان بیگ

منبع: نگارنده



**چاله‌های استخوان و ارتباط آن با مراسم قربانی:** در چند نقطه از سایت، چاه‌های Pit وجود داشت که یک نمونه از آنها کاوش گردید. با توجه به داده‌های لوکوس ۹۰۰۴ در ترانسه T.M.17 و لوکوس ۱۲۶ در ترانسه T.I.12، حجم زیادی از استخوان‌های حیوانی و پرندگان را که در اطراف آنها قطعاتی از سنگ‌های نامنظم چیده شده بود و سپس روی آنها را با خاک پوشانده بودند (سجادی، ۱۳۹۵: ۳۶۳) می‌توان با آداب و رسوم قربانی نذورات اهل حق مقایسه کرد. شایان ذکر است که اهل حق، استخوان‌های حیوان قربانی شده را دور نمی‌ریزند، بلکه پس از کندن یک گودال یا چاله، آنها را در داخل آن ریخته و با خاک روی آنها را پر می‌کنند. این یافته احتمالاً مهر تأییدی بر این نظریه است. در آئین یارسان، قربانی کردن از برجسته‌ترین مشخصات مسلک اهل حق به شمار می‌رود. جاندارانی که برای قربانی کشته می‌شوند عبارت‌اند از: «گوسفند، گاو، آهوی نر، خروس» (صفی‌زاده، ۱۳۷۵: ۱۹۴). خلیفه کار دعا دادن و قربانی نذورات را انجام می‌دهد. آنگاه قسمت‌های حرام و استخوان‌های حیوان قربانی را جدا می‌کنند تا پس از ختم جم، آنها را در گودالی چال‌کُنند. در هنگام چال کردن، اطراف استخوان‌های قربانی را نیز سنگ‌چینی می‌کنند و سپس روی آنها خاک می‌ریزند. خادم جم با گفتن ذکر «اول یار، آخر یار» دست‌جم‌نشین‌ها را که تعداد آنها نباید کمتر از هفت نفر باشد، می‌شوید<sup>۱</sup> و در نهایت قربانی یا نیاز [گوشت پخته‌شده نذری] را به حضور جم می‌آورند و دعا می‌دهند (همان، ۱۹۵؛ طاهری، ۱۳۹۲: ۲۴۴-۲۴۳). امروزه رسم قربانی با همان شیوه قدیم در شهرستان نورآباد انجام می‌شود و بسیاری از افراد در حیاط منزل خویش چاله‌ای حفر می‌کنند که مخصوص ریختن خون حیوان قربانی و دفن استخوان‌های آن است.

**شیء گچی سه‌پایه و ارتباط آن با مراسم نیاز:** یک شیء گچی سه‌پایه‌ای با ابعاد ۶۰×۵۰ و حداکثر ضخامت ۱۰ سانتی‌متر در داخل یک توده خاکستر سیاه‌رنگ همراه با قطعاتی از زغال شکسته و ریز در حاشیه شمال غربی بنای مقدس پیر میکائیل کشف شد. ویژگی‌های این یافته نشان‌دهنده وجود یک اجاق و ساج بوده است (شکل ۱۵). با توجه به اینکه زوار و اهل حق همیشه در اماکن مقدس خود، مراسم قربانی و نذورات را به جا می‌آوردند و غذای نذری مشهور به مویچه را با استفاده از اجاق و ساج‌تابه می‌پختند و آن را در بین زوار و اهالی محل

۱ منظور شستن به سنت قدیم است که با آفتابه لگن انجام می‌شد.

تقسیم می‌کردند، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که این شیء سه‌پایه گچی یک ساج بر روی اجاق بوده است. «ساج ناری» در اصطلاح اهل حق به معنی چشمهٔ خورشید است و خلاصهٔ سخن آن که عالم مینوی و محل خلوت از نظر نور و رحمت به خورشید تشبیه شده است (روحانی‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۸۶). بر اساس متون اهل حق خداوند نخستین پیمان را با هفت تن به منظور هدایت مردم در زیر خورشید منعقد کرد که به بیابس ناری (عهد و بیعت خورشیدی) موسوم است (جیحون‌آبادی مگری، ۱۳۴۵: ۵۳؛ الهی، ج ۱: ۵۳۳). وجود نقش خورشید بر روی برخی از سنگ گورها احتمالاً منظور همان چشمهٔ خورشید است.



شکل (۱۵): طرح و تصویر شیء گچی سه‌پایه (ساج)  
(سجادی، ۱۳۹۵: ۲۲۸)

### نتیجه‌گیری

برآیند مطالعات باستان‌مردم‌شناسی و یافته‌های کاوش از جمله سنگ گورها، کشف شیء سه‌پایه گچی (ساج)، کشف چاله‌های استخوان که در اطراف آنها قطعاتی از سنگ‌های نامنظم چیده شده بود و با آداب و رسوم قربانی اهل حق و دفن استخوان قربانی قرابت دارد، بر وجود بنایی مرتبط با آیین اهل حق گواهی دارد که با توجه به نزدیکی آن به رود سیروان که محل سکونت وی بوده است، به احتمال زیاد همان مقبره پیر میکائیل اهل حق باشد که همچون دیگر آثار اهل حق بر روی بلندی ساخته شده و امروزه نیز مورد تقدس مردم محل، به ویژه اهل حق شهرستان‌های دلفان و کوهدشت است. بر اساس مطالعات مردم‌نگاری، وی یکی از یاران سلطان اسحاق و از هفت‌تنان به شمار آمده و یکی از هفتادودو پیر این آیین محسوب شده و دارای مقام و پایه ارشاد و راهنمایی بوده است.

مطالعات باستان‌مردم‌شناسی از جمله سنگ گورهای با نقوش نمادین، کتیبه و ساج نار، چاله‌های استخوان که در اطراف آنها قطعاتی از سنگ‌های نامنظم چیده شده بود، در حال حاضر با آداب و رسوم قربانی، و دفن استخوان‌های حیوانات قربانی شده، که در بین معتقدان این فرقه انجام می‌شود، مطابقت می‌کند.

- مطالعات انجام شده گواهی بر این مدعاست که انجام رفتارهای آئینی در آثار مادی بازتاب یافته و در بعضی موارد به صورت نماد ظاهر شده است. از جمله مظاهر فرهنگی می‌توان وجود نقوش هندسی در اشکال مختلف مانند مستطیل، مربع، لوزی و چلیپای را بیان کرد که در برخی موارد به صورت استلیزه و در برخی دیگر نقش چهار یا شش بطن در دو سمت آن به کار رفته است که نشانه حوض آب و نماد دونا دون شدن یا همان اعتقاد به تناسخ در این فرقه است. با اینکه این نوع نقوش امروزه بر روی سنگ قبور اهل حق استفاده نمی‌شود، اما در عوض نام علی (علی) به صورت «یا علی» یا اشعاری در مدح ایشان بر روی برخی سنگ گورهای این فرقه حکاکی می‌شود که نشان‌دهنده تعلق آن به اهل حق است. بر اساس عقیده این فرقه، دومین ظهور خداوند (تجسد/ دونا دون شدن یا همان تناسخ) در جامه «علی» (ع) اتفاق افتاده است.

- کشف ظرف سه پایه گچی در این مکان مقدس، با کاربری اجاق و ساج تابه در ارتباط با پختن نذورات تشخیص داده شد. در روستای «گره بان» از مراکز مذهبی اهل حق، در منطقه هرسین کرمانشاه یک ساج ناری (اجاق حضرت آیش/ آقا بخش) به صورت سمبلیک ساخته شده است که امروزه مورد زیارت و تقدس اهل حق منطقه قرار دارد. رسم پختن غذای نذری مشهور به «مویچه/ بتن» همچنان در بین اهل حق رواج دارد. وجود نقش استلیزه خورشید بر روی سنگ گورها احتمالاً نشانه همان ساج نار یا چشمه خورشید است.

## سپاسگزاری

لازم می‌دانم بدین وسیله از همکاران ارجمندم جناب آقای نادر نوریان هاشم‌آبادی کارشناس ارتباطات اجتماعی تشکر کنم که تعدادی تصاویر در اختیار اینجانب قرار دادند. همچنین از جناب آقای امیر منصوری باستان‌شناس و جناب آقای لطیف لطیفی مدیر میراث فرهنگی شهرستان دلفان و محمدرضا محمدیان مسئول واحد باستان‌شناسی اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری لرستان به پاس مساعدت‌های لازم سپاسگزاری می‌کنم.

## منابع

- آقاجری، هاشم و استهری. هادی (۱۳۹۲). نگاهی نو به آیین اهل حق با تکیه بر کتاب سرانجام. تاریخ‌نامه خوارزمی. ۱(۲). ۲۴-۱.
- ابن مهلب (بی‌تا). *مجمل التواریخ و القصص*. تصحیح محمدتقی بهار. با اهتمام محمد رضائی. تهران: کلاله خاور. احمدزاده. فرید. حسینی. سید هاشم. و نورسی. حامد (۱۳۹۷). پژوهشی بر شناخت مضامین و نقوش سنگ قبور ایل گوران در شهرستان اسلام‌آباد غرب. *مبانی نظری هنرهای تجسمی*. ۵(۷۹-۹۲).
- افضلی شاه ابراهیمی. سید علیار (۱۳۴۵). *اهل حق*. مهر. ۱۲(۳). ۱۷۶-۱۷۶.
- القاضی. مجید (۱۳۵۹). *آیین یاری*. تهران: طهوری.
- الهی. نورعلی (۱۳۴۳). *برهان‌الحق*. به کوشش دکتر تقی تفضلی. تهران: امیرکبیر.
- (۱۳۷۳). *برهان‌الحق*. تهران: جیحون.
- امام‌جمعه‌زاده. سید جواد و ویسی. سارا (۱۳۹۴). *اهل حق (یارسان) مطالعه مردم‌شناسانه گروهی از شیعیان غالی استان کرمانشاه*. شیعه‌شناسی. ۱۳(۵۰). ۱۰۳-۳۴.
- اوحدی حائری. پروین دخت و جودکی. محمدعلی (۱۳۹۴). *نمادشناسی فرقه اهل حق با تأکید بر سروده‌های نامه سرانجام*. پژوهشنامه ادیان. ۹(۱۷). ۷۵-۱۰۹.
- جیحون‌آبادی مکرری. نعمت‌الله (۱۳۴۵). *شاهنامه حقیقت*. به کوشش محمد مکرری. تهران: طهوری.
- چراغ پوران. سید کیومرث (۱۳۸۸). *شرح کوتاه بر بعضی کلام‌های مبارک حضرت خان الماس*. جلد ۱. تهران: نشر ایمان.
- خداپنده. عبدالله (۱۳۸۸). *شناخت فرقه اهل حق (علی‌الیهیان)*. تهران: امیرکبیر.
- خواججه‌الدین. سید محمدعلی (۱۳۶۲). *سرسپردگان*. تهران: کتاب‌فروشی منوچهری.
- دریایی. نسیم (۱۳۸۸). *معماری هورامان بر اساس متون یارسان*. گلستان هنر. ۱۶. ۹۴-۱۰۱.
- دهقان. مصطفی (۱۳۸۲). *برخی منابع مطالعه اهل حق*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا. ۷۵ و ۷۶. ۱۴۷-۱۵۳.
- رحیمی. مه‌ری و آذر. امیراسماعیل (۱۳۹۴). *کتابشناسی فرقه اهل حق (یارسان)*. پژوهش‌های اعتقادی-کلامی. ۵(۲۰). ۷-۲۸.
- روحانی‌نژاد. حسین (۱۳۸۵). *اهل حق در آینه حقیقت*. نشریه فلسفه و کلام: کتاب نقد. ۳۹. ۱۹۶-۱۶۵.
- زنگنه. ابراهیم (۱۳۷۳). *گزارش و خبر/ مزارات ایران*. مشکوة. ۴۳. ۱۸۰-۱۹۶.
- سازمان میراث فرهنگی (۲۰۱۱). *دانشنامه تاریخ معماری ایران‌شهر؛ قبرستان پیر میکائیل مله امیرخان*. سازمان میراث فرهنگی.
- سجادی. علی (۱۳۹۵). *گزارش کاوش نجات‌بخشی محوطه پیر میکائیل*. مرکز اسناد میراث فرهنگی و گردشگری.
- سلطانی. محمدعلی (۱۳۷۶). *قیام و نهضت علویان زاگرس (تاریخ تحلیلی اهل حق)*. کرمانشاه: سها.

- شهرستانی. محمد بن عبدالکریم (۱۳۶۳). توضیح الملل: ترجمه الملل و النحل (دو جلد). ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی. قم: اقبال
- صفی‌زاده. صدیق (۱۳۵۷). سلطان اسحاق و آیین یارسان. بررسی‌های تاریخی. ۷۷. ۱۲۹-۱۴۶.
- (۱۳۶۰). مشاهیر اهل حق. تهران: کتابخانه طهوری.
- (۱۳۶۱). دوره هفت‌واکه (جزوی از نامه مینوی سرانجام). تهران: طهوری.
- (۱۳۷۵). نامه سرانجام یا کلام خزانه. تهران: هیرمند.
- (۱۳۷۶). دانشنامه نام‌آوران یارسان، احوال و آثار مشاهیر. تهران: هیرمند.
- طاهری. طبیب (۱۳۹۲). تاریخ و فلسفه سرانجام، شرحی بر نحله‌های فکری و اعتقادی کردستان عراق. اربیل: خانه موکریانی.
- طیبی. حشمت‌الله (۱۳۵۱). منشأ اجتماعی معتقدات کردان اهل حق؛ مطالعه جامع‌شناسی درباره خاندان‌های حقیقت. فصلنامه بررسی‌های تاریخی. ۷(۵). ۴۵ - ۶۶.
- فرزین. علی‌رضا (۱۳۸۴). گورنگاره‌های لرستان. فرزین. تهران: پژوهشکده مردم‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری.
- فکوهی. ناصر (۱۳۸۶). فضاهای قدسی در استان کرمانشاه. دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- قاسم‌زاده. سید علی و فرزی. فرزاد (۱۳۹۸). بازخوانی اساطیری گورنگاره‌های روستای سوران اسلام‌آباد غرب. فرهنگ و ادبیات عامه. ۷(۲۵). ۲۷-۵۲.
- کاظمی. ایرج (۱۳۸۰). دلفان در گذر تاریخ (مشاهیر اهل حق). خرم‌آباد: افلاک.
- لرستانی. خان الماس (۱۳۷۶). دیوان اشعار. به تصحیح سید خلیل عالی نژاد. کرمانشاه: بینا.
- مازندرانی، خلیفه (۱۳۷۸). سلوک در تاریکی: ظلمت در مقابل نور، نگرشی تحقیقی و مستند بر آثار و آرای نورعلی الهی. تهران: مهتاب.
- محمدیان، فخرالدین. صالحی کاخکی. احمد. و نوروززاده چگینی. ناصر (۱۳۹۵). فرایند و چگونگی شکل‌گیری معماری آئینی یارسان. اثر. ۷۲. ۲۷-۴۷.
- مسلمی‌زاده. محبوبه (۱۳۹۳). بررسی و تحلیل آیین فرقه اهل حق. معرفت ادیان. ۵(۴). ۲۷-۴۷.
- مشکور. محمدجواد (۱۳۷۵). فرهنگ فرق اسلامی. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- مفید، محمد بن نعمان (۱۳۷۱). تصحیح الاعتقاد. تحقیق حسین درگاهی. قم: کنگره بزرگداشت شیخ مفید.
- مینورسکی. ولادیمیر (۱۳۷۸). سه گفتار تحقیقی در آیین اهل حق. ترجمه محمدعلی سلطانی و مریم بانو رزازیان. تهران: سها.
- نوریان هاشم‌آبادی. نادر (۱۳۹۸). مذاکرات شفاهی. کارمند میراث فرهنگی.
- Farrokhnia, R. & Haghighi, R. (2010). Belief System of Sahneh Ahl-e-haq Sect of Iran. In Anthropologist, 12 (2), 87-93
- Minorsky, W. (1920). Notes sur la secte des Ahl-e Haqq. In Revue du Monde Musulman. 20-97.
- (1986). AHL- I HAKK. the Encyclopedia of Islam. 1. Leiden.

Rawlinson. H. (1839). **Notes on a march from zohab, at the foot of zagros, along the mountains to khuzistan (Susiana)**. In addition, from thense through the province of luristan to kirmanshah. 9, 26 – 116.

<https://rasekhoon.net/article/show/908411>  
<http://dehyariqaradareh.blogfa.com/>